

### متن پرسش

سلام بر استاد بزرگوار: سوالاتی پیرامون ۱۰ تکتکته داشتم که خدمتتان عرض می‌شوم: ۱. چرا می‌فرمایید وقتی مریض می‌شویم روح مریض می‌شود و تن تحت حکومت میکروب قرار می‌گیرد. ۲. شما در جواب کسی که عرض کرد چرا من را به مغز نسبت ندهیم فرمودید شما می‌گویید مغز من پس یک منی هست و یک مغزی و باید مغایرت بین مدرک و مدرک وجود داشته باشد و حال آنکه این مغز من که می‌گوییم بالمسامحه است و در و این همان مغز است. ۳. آیا می‌توانید عقلا ثابت کنید که دیوانه‌ها هم نفسشان کامل است و فقط ارتباطش با بدن مختل شده؟ ۴. شما در جواب سوال کسی که عرض کرد چرا پیغمبر اکرم با جنبه حقیقی شخص در عالم خواب رو به رو نشدند فرمودید که حقیقتاً اینها انسان نبودند و این جنبه غیر انسانی شان بود و حال آنکه حیوانات مظهر تجلی الهی‌اند و اگر این‌گونه، افراد گنه‌کار نشان داده می‌شوند به خاطر این است که از طریق این شکل به پستی شان پی‌برند نه اینکه حقیقتاً میمون باشند و باز سوال آن بزرگوار تکرار گردد (ادامه سوالات معرفت‌النفس را ان شاء الله دفعه دیگر به عرضتان می‌رسانم) ۵. می‌خواهم مقاله‌ای پیرامون انسان از دیدگاه اسلام یا عام ترش مثلاً حق بنویسم می‌توانید جناب عالی چند کتاب یا مقاله معرفی کنید (غیر از آشتی با خدا و ده نکته که خوانده‌ام)

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- در بحث معرفت‌النفس در کتاب «خویشتن پنهان» روشن شد که چرا بدن‌های مختلف در مقابل میکروب‌ها یک عکس‌العمل نشان نمی‌دهند و چنانچه روح انسان در شدت وجودی بیشتر باشد، بر تأثیر میکروب‌ها غلبه می‌کند ۲- بالاخره این ادراک را اگر کسی نپذیرد، عملاً به هیچ ادراکی از ادراکات خود نمی‌تواند اعتماد کند و گرفتار یک نوع سوفسطایی‌گری می‌شود ۳- همین‌که می‌توان در بسیاری موارد دیوانگان را به کمک درمان بدن‌شان درمان کرد، نشان می‌دهد که مشکل آن‌ها در عدم ارتباط صحیح بین جسم و روح است و این‌که جسم نمی‌تواند آنچه که روح اراده می‌کند را، صورت عمل بپوشاند. شاید کتاب «انسان از تنگنای بدن تا فراخنای قرب الهی» در این مورد بتواند کمک کند. موفق باشید